

# سیمای پیامبر اکرم (ص) در آینه وحی

عبدالکریم تبریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای پیامبر اکرم (ص) در آیینه وحی

نویسنده:

عبدالکریم تبریزی

ناشر چاپی:

عبدالکریم تبریزی

## فهرست

۵	فهرست
۶	سیمای پیامبر اکرم (ص) در آینه وحی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	نرمخویی و مهربانی
۷	دلسوزی برای اهل ایمان
۷	آشنایی با درد مردم
۸	صبر و بردباری
۹	عبودیت
۱۰	عدالت خواهی
۱۰	راستی و امانتداری
۱۱	قاطعیت و شهامت
۱۲	در حدیث دیگران
۱۲	پاورقی

نویسنده: عبدالکریم تبریزی

ناشر: عبدالکریم تبریزی

## مقدمه

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد مولای زمان مهتر صاحب‌دل امجد آن سید مسعود و خداوند مؤید پیغمبر محمود، ابوالقاسم احمد و صفش نتوان گفت به هفتاد مجلد این بس که خدا گوید: «ما کان محمد» [۱]. تولد پربرکت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله که بنا به اعتقاد علمای امامیه در ۱۷ ربیع الاول سال ۵۷۰ میلادی و مطابق با سال عام الفیل به وقوع پیوست، آغاز تولدی نوین و روز اعطای مدال سعادت و رستگاری از سوی حضرت حق برای جامعه بشریت می‌باشد. در آن روز نوزادی به این عالم خاکی قدم نهاد که بعد از چهل سال از سوی خداوند به عنوان آموزگار وحی و مربی برترین فرهنگ زیستن به اهل جهان معرفی گردید. مقارن این ولادت پربرکت در صحنه گیتی آثار شگفت‌انگیز و اسرارآمیزی رخ داد که هشدار برای حاکمان و زور مداران تاریخ به حساب آمد. فرو ریختن چهارده کنگره در ایوان کسری، خاموش شدن آتشکده فارس، جاری شدن آب در وادی سماوه بعد از سال‌های طولانی خشکی، سرنگون شدن بتها در مکه و سایر نقاط عالم، خشک شدن دریاچه ساوه، پرتوافشانی نوری از وجود آن گرامی در آفاق آسمان‌ها و خواب‌های وحشتناک انوشیروان و موبدان، از جمله علائم خارق‌العاده و از نشانه‌های هشدار دهنده‌ای بود که مقارن تولد پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در جهان حادث شد که در منابع معتبر تاریخی و جوامع مورد اعتماد حدیثی از آنها یاد شده است. در مورد زندگی، سیره و سخن و خلق و خوی آن وجود گرامی آثار و مجموعه‌های ارزشمندی از سوی دانشمندان و محققین پدید آمده که هر یک به نوبه خود قابل تحسین و تقدیر است. السیره النبویه: ابن هشام، السیره النبویه: ابن کثیر، حیاة النبی و سیرته، سیره المصطفی: عبدالزهره عثمان محمد، سیره المصطفی: هاشم معروف الحسنی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، نهایت المسئول فی روایة الرسول، سیری در سیره نبوی، فروغ ابدیت، شرف النبی و حیاة القلوب، ج ۲، برخی از این مجموعه‌های نبوی می‌باشند که هر کدام با سلیقه خاص مؤلف و از زوایای مختلفی به بررسی ابعاد زندگی و سیره آن حضرت پرداخته‌اند. در این نوشتار سعی شده در حد وسع، خلق و خوی حضرتش در پرتو آیات و حیانی قرآن بررسی شود، تا به این وسیله جان و دل خود را با آیات نور روشنایی بخشیده و از صفات ستوده محمدی صلی الله علیه و آله بهره‌ور شویم، چرا که بر این باوریم: زیباترین و کامل‌ترین سیمای آن گرامی را باید در آینه کلام و حیانی پروردگار به نظاره نشست و خصلت‌های زیبای نبوت را از سرچشمه نور جستجو کرد و اگر قرار است انسان برای بهتر زیستن و به سوی سعادت ابدی رفتن به دنبال الگو و سرمشق باشد، آن را در کامل‌ترین و مطمئن‌ترین منابع می‌توان یافت که صفحات درخشان و زرین آن در بلندای تاریخ و در تاریکترین لحظات آن، شاهراه انسانیت را روشن نموده است. خداوند متعال فرمود: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة..» (احزاب/۲۱)؛ مطمئناً برای شما در (رفتار و گفتار) رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکو (و کاملی) می‌باشد.

## نرمخویی و مهربانی

از منظر قرآن کریم یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله، اخلاق زیبا و برخورد شفقت‌آمیز با

دیگران بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست در طول ۲۳ سال، دل های بسیاری را به خود شیفته کرده و به صراط مستقیم هدایت نماید، در حالی که هیچ قدرتی توان چنین کار شگفتی را نداشت. خداوند متعال این عامل اساسی را چنین شرح می دهد: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك (آل عمران/۱۵۹)؛ به برکت رحمت الهی در برخورد با مردم، نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. اساساً آن حضرت بر این باور بود که فلسفه بعثت برای تکمیل مکارم اخلاق است و می فرمود: «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق»؛ [۲] همانا من برای به سامان رساندن فضائل اخلاقی مبعوث شده ام. ابراز محبت و مهرورزی آن حضرت نه تنها شامل دوستان و اهل ایمان می شد، بلکه مخالفین آن بزرگوار نیز از اخلاق نرم و شفقت آمیز آن گرامی بهره مند بودند و این سبب جذب آنان به سوی اسلام می گردید. به همین جهت خداوند متعال رسول گرامی اش را تحسین کرده و فرمود: «و انك لعلى خلق عظيم (قلم/۴)؛ و یقیناً تو دارای اخلاق عظیم و برجسته ای هستی.

### دلسوزی برای اهل ایمان

کسانی که خود را وقف اصلاح جامعه کرده و برای سعادت افراد آن از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و با دلسوزی و عشق و علاقه به انجام وظایف محوله می پردازند، بدون تردید جایگاه خود را در جامعه و دل های مردم تحکیم می بخشند و ارتباط نزدیکتری با مخاطبان خود پیدا می کنند، در نتیجه مردم به آنان به دیده احترام نگرسته و به ایشان اعتماد کرده و به آسانی گفته ها و خواسته هایشان را می پذیرند. مردم عاشق کسانی هستند که بدون هیاهو به دنبال اصلاح جامعه و رفع گرفتاری های آنان باشند. اگر این دلسوزی و خدمات بی ریا، مخلصانه و فقط برای رضای خداوند عالم باشد، نتیجه آن مضاعف و توفیق در کار حتمی و قطعی خواهد بود. تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده پروری دانداین ویژگی در رهبران الهی و پیشوایان جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قرآن مجید، پیامبر گرامی اسلام را با این خصلت پسندیده معرفی کرده و می فرماید: «لقد جائك رسول من انفسك عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رثوف رحيم (توبه/۱۲۸)؛ همانا فرستاده ای از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت و راهنمایی شما دارد و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است. خداوند متعال به کسانی که دلسوزی و مهربانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نوعی ساده لوحی قلمداد می کردند و اغماض و چشم پوشی های آن وجود گرامی را در مورد افراد خطاکار، سطحی نگری انگاشته و سخنانی ناروا در مورد پیامبر به زبان می آوردند چنین می فرماید: «و منهم الذين يؤذون النبي و يقولون هو اذن قل اذن خير لكم يؤمن بالله و يؤمن للمؤمنين و رحمة للذين آمنوا منكم والذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم (توبه/۶۱)؛ از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او گوشی است. (آدم خوش باوری است!) بگو: خوش باور بودن او به سود شماست، او به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند و برای مؤمنان شما رحمت است، اما کسانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را می آزارند عذاب دردناکی در پیش دارند. دلسوزی حضرت خاتم الانبیاء به حدی بود که گاهی از شدت غصه و ناراحتی در آستانه هلاکت قرار می گرفت. رسول مکرّم اسلام نه تنها از انحراف و کجروی های برخی از مسلمانان آزرده خاطر می شد، بلکه از گمراهی و نادانی نامسلمانان نیز در رنج و عذاب بود. تا این که خداوند متعال از دلسوزی رسول خویش چنین یاد می کند: «فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا» (کهف/۶)؛ گویی می خواهی به خاطر اعمال (ناروای) آنان، اگر به این گفتار ایمان نیاوردند، خود را هلاک کنی.

### آشنایی با درد مردم

توفیق در مدیریت جامعه به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از مهمترین آنها آشنایی با مشکلات و گرفتاری های طبقات محروم اجتماع است. پیامبران الهی عموماً و پیامبر اسلام خصوصاً از چنین خصلت والا-یی برخوردار بودند. آنان خود را از مردم می دانستند و هیچگونه امتیاز و تفرقی بر خویشان نسبت به سایر اقشار جامعه قائل نبودند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمود: «انما انا بشر مثلکم (فصلت/ ۶ - کهف/ ۱۱۰)؛ همانا من هم همانند شما بشر هستم. در آیه دیگری خداوند متعال می فرماید: «لقد جائکم رسول من انفسکم ..» (توبه/ ۱۲۸)؛ پیامبری از خود شما برایتان آمده است. افزون بر مردمی بودن، آشنایی و آگاهی و لمس واقعیت های پنهان جامعه از خصلت های بارز آن حضرت بود. البته میان امثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کسانی که با شعار محرومیت زدایی به عرصه های رهبری و هدایت جوامع وارد می شوند اما خود طعم تلخ محرومیت و گرفتاری را نچشیده اند و درک این واقعیت ها برایشان سخت و غیر ملموس است فرق زیادی وجود دارد. آنان اگر هم بخواهند در این رابطه درست عمل کنند موفق نخواهند شد، اما کسانی که این مشکلات و محرومیت ها را از نزدیک لمس کرده اند، درد و رنج طبقات محروم جامعه را بهتر و راحت تر درک می کنند. قرآن کریم می فرماید: «الم یجدک یتیمآوی و وجدک ضالاً- فهدی و وجدک عائلاً- فاغنی (ضحی/ ۶، ۷، ۸)؛ آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! و تو را گمشده یافت و هدایت کرد و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود. حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در مقابل مرفهین بی دردی که از او می خواستند از طبقات محروم فاصله بگیرد، این آیه را تلاوت می کرد: «و ما انا بطارد الذین آمنوا» (هود/ ۲۹)؛ من هرگز مردم با ایمان را (گرچه در ظاهر محروم و بی چیز و نیازمند باشند) از خود دور نخواهم کرد. آری رسیدن به مقام نبوت اوصاف برجسته ای می طلبد که یکی از آنها مردمی بودن و آشنایی با حقوق محرومان است. کسی که می خواهد دین آسمانی او جاودانه بماند و برای هر قوم و ملتی و در هر عصر و زمانی به کار آید لازم است که خود با ریشه های ناعدالتی و فقر و محرومیت از نزدیک تماس داشته باشد تا در بلندای تاریخ بتواند ندای عدالت خواهی و محرومیت زدایی را به گوش جهانیان برساند. قرآن با یادآوری دوران مشقت بار و سخت زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت سفارش می کند که: «فاما الیتیم فلا تقهر. واما السائل فلا تنهر» (ضحی/ ۹، ۱۰)؛ یتیم را از خود دور نکن و درخواست کننده را از خود مران. رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام هجرت به مدینه نیز در مقابل فریادهای دعوت دهها نفر از اهالی مدینه، در زمینی که به یتیمان تعلق داشت فرود آمد و کانون اسلام را در همانجا متمرکز نمود که بعدها به مسجدالنبی و مرکز حکومت اسلامی تبدیل شد و تصمیمات مهم جهان اسلام در همانجا اتخاذ گردید.

## صبر و بردباری

گذری کوتاه به تاریخ پیامبران الهی نشان می دهد که آنان در راه اعتلای کلمه توحید و انجام رسالت خویش با سخت ترین موانع روبرو بوده اند، همچنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «ان اشد الناس بلاء الانبیاء؛ [۳] همانا که انبیاء الهی سخت ترین گرفتاریها را داشته اند.» اما در این میان حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بیش از سایر انبیاء در معرض بلاها و آزمایشات سخت قرار گرفت. آن حضرت در این مورد می فرماید: «ما اودی نبی مثل ما اودیت؛ [۴] هیچ پیامبری همانند من مورد آزار و اذیت قرار نگرفت.» اما تحمل و بردباری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر کوه مشکلات که از هر سو به آن حضرت روی می آورد و موانع گوناگونی که هر یک می توانست سد راه اهداف بلند حضرتش باشد، تمام دشمنان و مخالفین سرسخت آن حضرت را به زانو در آورد. استاد شهید مطهری رحمه الله در این زمینه می نویسد: «اراده و استقامتش بی نظیر بود. از او به یارانش نیز سرایت کرده بود. دوره ۲۳ ساله بعثتش یکسره درس اراده و استقامت است. او در تاریخ زندگی اش مکرر در شرایطی قرار گرفت که امیدها از هر جا قطع می شد، ولی او یک لحظه تصور شکست را در مخیله اش راه نداد. ایمان نیرومندش به موفقیت، یک لحظه متزلزل نشد.» [۵]. گاهی خداوند متعال برای تقویت روحیه صبر و مقاومت رسول گرامیش می فرمود: «فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل ..»

(احقاف/۳۵)؛ پس صبر و بردباری پیشه کن، آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سخن ارزشمندی پایداری و مقاومت و اراده آهنین خود را در راه هدف به نمایش گذاشت و هنگامی که حضرت ابوطالب پیشنهاد مشرکین را مبنی بر خودداری آن حضرت از ابلاغ پیام آسمانی خویش به وی بیان کرد، به عمویش ابوطالب چنین فرمود: «یا عم! والله لو وضعوا الشمس فی یمینی والقمر فی یساری علی ان اترک هذا الامر حتی یظهروه الله او اهلک فیه، ماتر کنه؛ [۶] ای عمو! به خدا سوگند اگر آنان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند که از دعوت آسمانی خود دست بردارم هرگز نخواهم پذیرفت تا این که یا خداوند دین مرا پیروز کند و یا این که جانم را در راه آن از دست بدهم.» و این چنین بود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله با تحمل مشکلات و صبر و پایداری توانست دین مبین اسلام را به جهانیان اعلام کند. انواع گرفتاریها و ناملایمات، صدمات جسمی و روحی، قرار گرفتن در معرض انواع اتهامات از قبیل: ساحر، مجنون، آشوبگر و سایر موانع راه پیامبر، با دو عامل ایمان به هدف و استقامت و پشتکار در راه رسیدن به آن، قابل تحمل بود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «اشهد ان محمدا عبده و رسوله دعا الی طاعته و قاهر اعداءه جهادا عن دینه، لایشیه عن ذلک اجتماع علی تکذیبه و التماس لطفاء نوره؛ [۷] گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست، انسان ها را به عبادت خداوند دعوت نمود و با دشمنان خدا در راه دین او پیکار نمود و مغلوبشان کرد. هرگز همداستانی دشمنان که او را دروغگو خواندند، او را (از آن دعوت به حق و کوشش در راه استقرار دین اسلام) باز نداشت و تلاش آنان برای خاموشی نور رسالت نتیجه نداد.»

## عبودیت

بندگی و خضوع در مقابل حق، فضیلتی ستودنی است که قرآن بارها بر این صفت زیبای محمدی صلی الله علیه و آله اشاره دارد. خداوند متعال پیامبر گرامی اش را با وصف بندگی - که تمام اوصاف والای حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را تحت الشعاع قرار داده - یاد می کند و رسول گرامی اسلام نیز به عبودیت خود در پیشگاه حق همیشه افتخار می کرد. به چند نمونه از آیاتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را با صفت والای عبودیت توصیف می کند اشاره می کنیم: - «وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله...» (بقره/۲۳)؛ و اگر در آنچه که به بنده خودمان نازل کرده ایم شک دارید، یک سوره همانند آن را بیاورید. - «... ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان...» (انفال/۴۱)؛ اگر به خدا و به آنچه که بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) نازل کرده ایم ایمان آورده اید... - «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا» (فرقان/۱)؛ بزرگوار و پر برکت است آن خداوندی که قرآن را بر بنده (خاص) خود نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد. - «فاوحی الی عبده ما اوحی (النجم/۱۰)؛ (در شب معراج) آنچه را که وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آنچنان شیفته عبادت و بندگی در بارگاه ربوبی بود که گاهی خود را فراموش می کرد و از خود بی خود می شد، تا این که آیه نازل شد: «طه! ما انزلنا علیک القرآن لتشقی؛ طه! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که این قدر به زحمت و مشقت بیافتی. مرحوم فیض کاشانی در ذیل این آیه می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان در عبادت الهی حریص بود که از کثرت عبادت پاهای مبارکش متورم شده بود، تا این که خداوند متعال این آیه را فرستاد. امام باقر علیه السلام می فرماید: روزی یکی از همسران آن حضرت به وی گفت: یا رسول الله! چرا به خود اینقدر زحمت می دهی، در حالی که یک بنده آمرزیده هستی. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «اولا اکون عبدا شکورا؛ [۸] آیا بنده شکرگزاری نباشم.» خداوند متعال در برخی از آیات برای عبادت و بندگی پیامبر گرامی اش چنین رهنمود می دهد: «اقم الصلوة لعلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا. و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یتعک ربک مقاما محمودا» (اسراء/۷۸ و ۷۹)؛ نماز را از زوال خورشید (هنگام اذان ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) به پای دار؛ و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛ زیرا قرآن فجر مورد شهادت (فرشتگان شب و روز) است.



و پاسی از شب را (از خواب برخیز و قرآن و نماز بخوان و) عبادت کن. این یک عمل نافله برای توست. امید است که خداوند متعال تو را به این وسیله به مقامی محمود (و در خور ستایش) برانگیزد.»

## عدالت خواهی

عدالت خواهی یکی از مهمترین اهداف بعثت پیامبران الهی است. خداوند متعال در سوره حدید می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط..» (حدید/ ۲۵)؛ ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند. همچنین خداوند متعال از زبان پیامبر گرامی اسلام در سوره شوری می‌فرماید: «... و امرت لاعدل بینکم..» (شوری/ ۱۵)؛ من برای اجرای عدالت در میان شما مامور شده‌ام. و در آیات متعددی قرآن از عدالت خواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که یکی از اهداف بعثت آن حضرت نیز می‌باشد سخن گفته و مردم را به تبعیت از آن بزرگوار ترغیب و تشویق می‌کند. عدالت طلبی در تمام زوایای زندگی انسان نقش دارد و گستره آن به گفتار و رفتار و روابط انسان، معاملات، خانواده، دوستان، فرزندان، همکاران و حتی سایر ملل نیز کشیده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «و اذا قلتهم فاعدلوا» (انعام/ ۱۵۲)؛ و هنگامی که سخنی می‌گویند، عدالت را رعایت نمایید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان به این مسئله حیاتی اهمیت می‌داد که حتی در نگاه کردن به دیگران عدالت را رعایت می‌نمود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کان رسول الله یقسم لحظاته بین اصحابه فی نظر الی ذی و ینظر الی ذی بالسویة؛ [۹] رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاه خود را در میان اصحاب به طور مساوی تقسیم می‌کرد، گاهی به این و گاهی به آن دیگری به طور مساوی نگاه می‌کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک منشور جهانی، عدالت خواهی و تساوی حقوق انسان‌ها را در جوامع اعلام کرد و ملاک احترام به حقوق بشر را معین نمود. آن منادی راستین عدالت و آزادی هنگامی که مشاهده کرد یکی از اصحاب عرب وی، سلمان فارسی را به خاطر غیر عرب بودن تحقیر می‌کند، در کلمات حکیمانه و معروفی فرمود: «ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط، لا فضل للعربی علی العجمی ولا- للاحمر علی الاسود الا بالتقوی؛ [۱۰] همه مردم از زمان حضرت آدم تا به امروز همانند دانه‌های شانه (مساوی و برابر) هستند. عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارد مگر به تقوی. پیامبر اسلام در اجرای قانون عادلانه الهی اهتمام خاصی داشت و اگر کسی از آن حضرت تقاضای غیرقانونی و غیراصولی می‌کرد، شدیداً ناراحت می‌شد. هنگامی که بعضی از همسران آن حضرت بعد از جنگ احزاب در مورد تقسیم غنایم جنگی از آن بزرگوار تقاضای غیرمعقول و خلاف عادت کردند، آن بزرگوار ناراحت شد و ۲۹ روز تمام از آنان فاصله گرفت. خداوند متعال نیز به این مناسبت آیاتی را بر آن حضرت نازل کرد و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ایها النبی قل لا زواجک ان کنتن تردن الحیوة الدنیا و زینتها فتعالین امتعکن و اسرحکن سراحا جمیلا» (احزاب/ ۲۸)؛ ای پیامبر! به همسران بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، بیاید (با هدیه‌ای) شما را بهره مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم. [۱۱]. و به این ترتیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی به نزدیکترین افراد خانواده‌اش نیز اجازه نداد از قانون الهی تخطی کنند و عدالت اجتماعی را در حکومت اسلامی آن حضرت خدشه دار سازند.

## راستی و امانتداری

امانتداری و صداقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها یاران و پیروان آن حضرت را شیفته ایشان نموده بود بلکه دشمنان نیز به این حقیقت اذعان داشته و صداقت آن بزرگوار را می‌ستودند. سه سال از بعثت می‌گذشت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی در کنار کوه «صفا» روی سنگ بلندی قرار گرفت و با صدای رسایی قشرهای مختلف مردم مکه را به سوی خویش فرا خواند، آنگاه خطاب به مشرکین و سایر مردم فرمود: ای مردم! هر گاه من به شما گزارش دهم که پشت این کوه دشمنان موضع

گرفته‌اند و قصد جان و مال شما را دارند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ همگی گفتند: آری، زیرا ما در طول زندگی از تو دروغی نشنیده‌ایم. [۱۲]. حضرت خدیجه نیز هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می‌داد و شیفتگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می‌نمود با تأکید بر امانت و صداقت آن بزرگوار، چنین گفت: «انی قد رغبت فیک لقرابتک وسطتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ [۱۳] به خاطر خویشاوندیت و بزرگواریت در میان قوم خودت و امانتداری تو و اخلاق نیک و راستگوئیت، مایلم با تو ازدواج کنم.» در این میان تصریح آیات الهی و تأکید کلام وحیانی قرآن بر صداقت و راستی و امانتداری آن حضرت حلاوتی دیگر دارد. برخی از آیاتی که به امانتداری و راستی پیامبر عظیم الشان اسلام اشاره دارند عبارتند از: ۱- «قل لا اقول لکم عندی خزائن الله ولا اعلم الغیب ولا اقول لکم انی ملک..» (انعام/۵۰)؛ بگو: من نمی‌گویم خزائن خدا نزد من است و من (جز آن که خدا به من بیاموزد) از غیب آگاه نیستم و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام. ۲- «و ما یطلق عن الهوی. ان هو الا وحی یوحی (النجم/ ۳ و ۴)؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گویند و آنچه می‌گویند چیزی جز وحی الهی که (بر او) نازل می‌شود نیست. ۳- «ما کذب الفؤاد ما رای؛ [۱۴] قلب (پاک) حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در امانتداری آنچنان شهره بود که حتی دشمنانش بعد از بعثت آن حضرت، با این که نقشه قتلش را طراحی می‌کردند، همچنان او را با لقب «امین می‌شناختند و در امانتداری‌اش لحظه‌ای تردید نکردند و در شب هجرت امانت‌هایی نزد آن گرامی داشتند. رسول‌الله صلی الله علیه و آله در غار ثور در عین حالی که از ترس مشرکین مکه مخفی شده بود، به امام علی علیه السلام سفارش نمود که یا علی! فردا در اجتماعات مردم مکه، صبح و شام با آوای بلند بگو: «من کان له قبل محمد امانه او ودیعه فلیات فلنؤد الیه امانته؛ [۱۵] هر کس نزد محمد امانتی دارد بیاید امانتش را بازستاند. خداوند متعال در مورد ویژگی‌های انسان‌های وارسته و باایمان می‌فرماید: «والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون (مؤمنون/ ۸)؛ و آنان که به امانت‌ها و عهد و پیمان‌های خود وفا می‌کنند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسوه کامل و نمونه بارز انسان‌های وارسته و دارای تمام کمالات و ویژه اخلاقی بود. صداقت و امانتداری از منظر رسول گرامی اسلام آنچنان مهم بود که به عنوان معیار برای برتری یارانش محسوب می‌گردید. امام صادق علیه السلام در این مورد فرمودند: «ان علیا علیه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلی الله علیه و آله بصدق الحدیث و اداء الامانه؛ [۱۶] یقیناً علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری به آن درجه و عظمت در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسید.

### قاطعیت و شهامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اجرای حدود الهی و قاطعیت در برابر قانون شکنان اهتمام خاصی داشت. آن حضرت در عین حالی که به اهل ایمان و مظلومان و ستم‌دیدگان رئوف و مهربان بود، در مقابل کفار و اشرار، با شجاعت و شهامت تمام ایستادگی می‌نمود. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم (فتح/ ۲۹)؛ «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند.» داستان زیر نشانگر قاطعیت آن حضرت در مقابل متجاوزان و قانون شکنان است. گروهی از طایفه بنی ضبه به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و ضمن شکایت از بیماری خود، از آن بزرگوار استمداد کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: چند روز در مدینه بمانید تا با مراقبت مسلمانان بهبودی یافته و به منطقه خود برگردید. آنان گفتند: یا رسول‌الله! اگر ما را در خارج از شهر مدینه اسکان دهید برایمان بهتر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن پذیرش تقاضای آنان به تنی چند از مسلمانان ماموریت داد تا تعدادی از شتران بیت المال را در چراگاه‌های اطراف مدینه نگهدارند و از شیر آنها افراد بیمار بنی ضبه را پذیرایی و پرستاری کنند و از آنان مراقبت نمایند. این افراد با حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت کوتاهی سلامتی خود را باز

یافتند، اما به جای قدردانی از آن حضرت و یارانش - از آنجایی که باطنی خبیث و دلی مریض داشتند - سه تن از نگهبانان شترها را کشته و به همراه شتران فرار کردند. هنگامی که این خبر ناگوار به پیامبر گرامی رسید، علی علیه السلام را مامور دستگیری آنان نمود. امیرمؤمنان علی علیه السلام این خطاکاران متجاوز را در نزدیکی های مرز یمن بازداشت کرده و به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. در این لحظه پیک وحی نازل شده و احکام آنان را به رسول خدا ابلاغ نموده و فرمود: «انما جزاوا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ..» (مائده/۳۳)؛ کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند و در روی زمین اقدام به فساد می کنند این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها به عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین (خود) تبعید گردند.» حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله از میان این چهار حکم، قطع دست و پا را انتخاب کرد و دستور داد دست و پای آنها را بر خلاف یکدیگر (دست راست و پای چپ یا بالعکس) قطع کنند. [۱۷]. اصرار بر اجرای قوانین الهی، حیاء و ادب، جوانمردی، سرمشق و الگو بودن برای انسان های سعادت جو و حقیقت طلب، امی بودن، تواضع، گذشت، ساده زیستی، سخاوت و نیکی به دیگران، کرامت نفس و بشیر و نذیر بودن، از جمله سایر صفات ستوده حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله است که در آیات الهی به آنها اشاره شده است.

### در حدیث دیگران

این مقال را با نقل ابیاتی از سروده معروف شبلی شمیل از دانشمندان برجسته جهان مسیحیت، که در ستایش عظمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله سروده است به پایان می بریم: انی و ان اک قد کفرت بدینه هل اکفرن بمحکم الآیات «من گرچه مسلمان نیستم اما آیا می توانم به آیات محکم قرآن کفر ورزم؟!» او ما حوت فی ناصح الالفاظ من حکم روادع للهوی و عطات «یا به پندها و اندرزهایی که در آن آیات آمده است و همه بازدارنده نفس از هوا و هوس، و در لباس شکوهمندترین واژه ها می باشند منکر شوم؟!» و شرایع لو انهم عقلوا بها ما قید العمران بالعادات «یا به قوانینی که اگر مردمان آنها را درک می کردند برای تحقق بخشیدن به عمران (و تمدن جهان)، همه آیین ها و سنت ها را جز تعالیم اسلام کنار می گذاشتند، می توانم بی تفاوت باشم؟!» نعم المدبر والحکیم وانه رب الفصاحة مصطفی الکلمات «(محمد) بهترین تدبیر کننده و بهترین حکیم بود. او خدای فصاحت و (گوینده) گزیده ترین سخنان است.» رجل الحجا رجل السیاسة والدها بطل حلیف النصر والغارات «(محمد) یگانه مرد خردورزی، کشورداری و هوشمندی بود و قهرمان هم پیمان با پیروزی بر سپاه کفر است.» ببلاغه القرآن قد غلب النهی و بسیفه انحی علی الهامات «(محمد) با بلاغت قرآن، بر همه خردها و اندیشه ها چیره گشت و سرها (ی دشمنان ارزش های انسانی) را زیر سایه شمشیر گرفت.» من دونه الابطال من کل الوری من غائب او حاضر او آت [۱۸]. «قهرمانان تاریخ بشر چه گذشتگان، چه آنان که اکنون حاضرند و چه آیندگان، (همه و همه) در پایه ای فروتر و پایین تر از مرتبت او جای دارند.»

### باورقی

[۱] بخشی از مسمط مسدس شیوای ادیب الممالک فراهانی در مولود مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

[۲] مکارم الاخلاق، ص ۸/فتح الباری، ج ۶، ص ۴۱۹.

[۳] الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲.

[۴] کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۷.

[۵] مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۷.

[۶] السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۴.

- [۷] نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.
- [۸] تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۹۹.
- [۹] بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۰/ الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱.]
- [۱۰] مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۹.
- [۱۱] تفسیر صافی، ذیل همین آیه.
- [۱۲] فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۳.
- [۱۳] السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.
- [۱۴] همان/ ۱۱.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۲.
- [۱۶] الکافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الصدق و اداء الامانه، حدیث ۵.
- [۱۷] الکافی، ج ۷، ص ۲۴۵.
- [۱۸] ادبیات و تعهد در اسلام، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.